

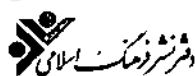
کندوکاوی در

تاریخ و تمدن اندلس

نوشته: دکتر عبدالواحد ذنون طه

ترجمه: دکتر حجت رسولی

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	درباره نویسنده
۷	مقدمه مؤلف
۱۳	۱. نقش مسلمانان و اندلسی‌ها در کشف دنیای جدید
۴۷	۲. تلاش‌های مسلمانان اندلس در علم ستاره‌شناسی
۷۹	۳. تعلیم و تربیت در اندلس
۸۷	۴. آزادی عقیده و فعالیت‌های دینی در اندلس اسلامی
۹۹	۵. اهمیت کتاب‌های فقهی در مطالعه تاریخ اندلس
۱۴۳	۶. شعوبی‌گری در اندلس و رویارویی عرب‌ها با آن
۱۷۳	۷. تأثیر متقابل میان تمدن اسلامی اندلس و تمدن مسیحی ...
۲۰۷	۸. دیدگاه برخی از دانشگاه‌های اروپایی درباره فلسفه ابن رشد ...
۲۳۱	۹. تأثیر اندلس بر اندیشه غرب
۲۶۹	۱۰. آثار جاویدان اندلس
۳۱۱	۱۱. منابع

درباره نویسنده

دکتر عبدالواحد ذنون طه عبدالله طه در سال ۱۹۴۳ در شهر موصل به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه‌اش را در آن شهر به پایان رساند و سپس وارد دانشگاه بغداد شد. در سال ۱۹۶۵ با موفقیت تحصیلات خود را در دوره لیسانس تمام کرد و در همان سال در منطقه «تکلیف»، واقع در استان نینوا در مقام مدرس دبیرستان مشغول به کار شد. ذنون طه که در آرزوی ادامه تحصیل بود در سال ۱۹۷۳ توانست دوره فوق لیسانس تاریخ اسلامی را در دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد به پایان رساند. عنوان رساله او «العراق فی عهد الحجاج بن یوسف الثقفی» است. ذنون در سال‌های (۱۹۷۳-۱۹۷۵) مدرس آموزشگاه تربیت معلم موصل بود و در سال ۱۹۷۵ به عضویت هیئت وزارت آموزش عالی و پژوهش علمی درآمد. او در سال ۱۹۷۸ موفق به دریافت درجه دکترا از دانشگاه اکستر^۱ در بریتانیا در رشته تاریخ مغرب و اندلس شد. در آغاز همان سال در دانشگاه موصل به تدریس مشغول شد. در سال ۱۹۸۳ ذنون به درجه استادیاری و در ۱۹۸۸ به دانشیاری نایل آمد. او ریاست انجمن‌های علمی بسیاری را در دانشگاه

موصل و دیگر دانشگاه‌های عراق و نیز ریاست هیئت تحریریه مجله تربیت و علم دانشکده تربیت دانشگاه موصل و عضویت در کمیته مرکزی راهبردی دانشگاه موصل و بسیاری از انجمن‌ها و مجلات علمی دیگر را به عهده داشت. علاوه بر آن، او عضو هیئت اداری مورخان و باستان‌شناسان عراق و عضو شورای مرکزی مطالعات باستان‌شناسی موصل و اتحادیه مورخان عرب و اتحادیه ادیبان و نویسندگان عراقی و عضو هیئت تاریخ نویسی جمهوری عراق بود. ذنون پانزده تقدیرنامه از دانشگاه‌های عراق و دیگر کشورهای عربی به سبب تلاش‌های موفقیت‌آمیزش در همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی دریافت کرده است. او در اجرای طرح‌های تاریخی، ملی و اجتماعی و اسلامی فعالیت داشته و آثار بسیاری را در این زمینه از خود به یادگار گذاشته است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: موسوعة الحضارة الاسلامية، موسوعة الموصل الحضارية، مشروع كتاب الامة العربية، الموسوعة الاسلامية في مصر و موسوعة العرب و المسلمين و آثار بسیار دیگری که ذکر آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد. از دیگر تألیفات ذنون می‌توان به کتاب الفتح و الاستقرار العربي الاسلامی فی شمال افريقا و الاندلس، نشأ تدوين التاريخ العربي فی الاندلس، اصول البحث التاريخي، الدولة العربية الاسلامية فی العصر الاموي، دراسات فی التاريخ و الحضارة المشرق، الاسلام فی المغرب و الاندلس و كتاب الإصالة و التأثير اشاره کرد.

حجت رسولی

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه مؤلف

کتاب حاضر مجموعه‌ای از پژوهش‌ها و مطالعات مرتبط با تمدن و تاریخ اندلس و بازخوانی جنبه‌هایی درخشان از تمدن اسلامی در آن سرزمین دور افتاده است؛ تمدنی که ادامه تمدن مسلمانان در مشرق زمین به شمار می‌آید و نقش مسلمانان را در بنای این تمدن انسانی هویدا می‌سازد. مطالعات همه جانبه و در عین حال مرتبط به هم نشان از توجه ساکنان اندلس به علوم مختلف به‌ویژه جغرافیا دارد، به‌طوری‌که در نتیجه آن به بسیاری از اطلاعات مورد نظر دست یافتند و همین خود موجب ماجراجویی‌های فراوان آنان در اقیانوس اطلس و در نتیجه کشف مناطق ناشناخته ماورای اقیانوس اطلس شد. به این ترتیب ساکنان اندلس و مسلمانان شمال آفریقا، در رسیدن به دنیای جدیدی به سمت غرب پیشتاز بودند که نتیجه آن کشف دریای کارائیب و آمریکای جنوبی بود.

توجه مردم اندلس به علم نجوم کمتر از اهتمام آنان به جغرافیا و دریانوردی و دیگر علوم نبود. در نتیجه این تلاش‌ها مکتب‌های نجومی معروفی شکل گرفتند و کتاب‌های ارزشمندی تألیف شدند که نه تنها کم

اهمیت‌تر از کتاب‌های مشرق زمین در این زمینه نبودند، بلکه با رسیدن به درجه‌هایی از پیشرفت و ارتقا، مفاهیم پیشین را اصلاح کردند و به نظریات جدیدی در علم ستاره‌شناسی نائل آمدند. مطالعات و پژوهش‌های دانشمندان مشهور در این شاخه از علم، تنها به اندلس محدود نشد، بلکه در مراحل بعدی در گستره جهانی و غرب اروپا نیز مطرح شد. از جمله دانشمندان برجسته این دوره می‌توان به زرقالی، جابر ابن افلاح، مجریطی و بطروجی اشاره کرد.

نهضت علمی اندلس بدون علت و مقدمه پدید نیامد، بلکه تربیت انسان مسلمان از همان کودکی و آموزش و آماده‌سازی او برای ایفای نقش در بحث‌های علمی و آموزشی، از جمله پشتوانه‌های استوار آن به‌شمار می‌آمد. از این‌رو، یکی از بحث‌های کتاب حاضر بر اهتمام مربیان به مسئله آموزش و تربیت فرزندان‌شان تمرکز دارد و اسناد به کارگیری معلمان و مربیان را در اندلس نشان می‌دهد و توجه افکار عمومی این جامعه به انسان و حقوق او و آزادی عقیده برخاسته از اعتقاد به اسلام برای همه را بیان می‌کند. بدین ترتیب، حرکت همگانی در جهت اعتماد سازی میان افراد جامعه بود و هر کسی می‌توانست به علوم و تحقیقات مورد علاقه خود بپردازد. در نتیجه حرکت علمی جان گرفت و کسانی پا به عرصه علمی نهادند که علاوه بر توجه به علوم پایه‌ای مختلف، به لغت و فقه و تاریخ نیز علاقه‌مند بودند. فصلی از این کتاب به کتاب‌های فقهی تألیف شده در اندلس و مغرب می‌پردازد که در مطالعه تاریخ تمدن اندلس اهمیت دارد. این کتاب‌ها در

برگیرنده مطالب علمی فراوانی اند که از آن‌ها می‌توان در مطالعه تاریخ و تمدن اندلس استفاده کرد.

تعدد طبقات جامعه اندلس و عناصر جمعیتی آن از یک سو و تسامح عرب‌ها و مسلمانان، از سوی دیگر، زمینه‌ساز شکل‌گیری افکار مختلف در مقوله عرب و اسلام، به‌ویژه در حیطه فکر و فرهنگ و ادب بود. این حرکت همانند جنبشی بود که در شرق شکل گرفت و شعوبی‌گری نامیده شد. اما، شاید بر همگان آشکار نباشد که این جنبش منحصر به شرق اسلام نشد و در بخش غربی دولت عربی - اسلامی، یعنی اندلس نیز خود را نشان داد و عرب‌ها همانند برادران مشرق زمین خود به رویارویی با آن پرداختند و در برابر آن مقاومت کردند. بخش ششم کتاب حاضر به این موضوع اشاره دارد. شاید مهم‌ترین وجه تمایز کتاب حاضر تأکیدش بر نقش فعال مسلمان اندلس و تبادل فرهنگی میان آنان و اسپانیای مسیحی است که قرن‌های طولانی در قرون وسطی وجود داشته است. علاوه بر آن، این کتاب تأکید دارد که رابطه مردم اندلس و حاکمان اسپانیا، صرفاً جنگ و درگیری نبوده، بلکه دوره‌هایی از صلح و آرامش نیز در دوران حضور مسلمانان در این شبه جزیره وجود داشته است که نتیجه آن، تبادل مظاهر تمدن طی بیش از هشت قرن است. در حالی که کفه ترازوی مسلمانان در این ارتباط متقابل، همواره به دلیل قدرت تمدن اسلامی و نیز شدت تأثیر آن بر ساکنان محلی و امارات مجاور اندلس، سنگینی می‌کرده است.

اروپا از طریق روابط مستقیم با اندلس و فرمانروایی‌های مسیحی اسپانیا و ترجمه متون عربی به لاتین، اطلاعات بسیاری در زمینه‌های گوناگون

علمی به دست آورد. در رأس این علوم کتاب‌ها و اندیشه‌های فلسفی ابن رشد اندلسی بود که بازتاب فراوانی در غرب داشت و دانشگاه‌های اروپایی موضع‌گیری‌های مختلفی در برابر آن اتخاذ کردند. از رد کامل و مخالفت با آن گرفته تا پذیرش جریان‌های فکری جدید متمایل به آن، جریان‌هایی که این فلسفه را پذیرفته، به آن و نیز به کتاب‌هایی که از ابن رشد در اختیارشان بود، می‌بالیدند. بخش هشتم کتاب حاضر به این موضع‌گیری‌ها، به‌ویژه موضع‌گیری دانشگاه‌های فرانسوی، انگلیسی و ایتالیایی می‌پردازد.

تأثیر اندلس بر غرب فقط به فلسفه محدود نشد، بلکه علوم دیگر نیز تأثیر بسیاری بر اندیشه غربی گذاشتند. فصل نهم کتاب حاضر به این موضوع می‌پردازد و عوامل مؤثر بر این تأثیرگذاری را که شامل سه مرحله است، تحلیل می‌کند. این مراحل سه‌گانه عبارتند از: عصر تأثیر غیرمستقیم، عصر ترجمه غربی به لاتین و عصر استعراب که اوج تأثیر غربی - اسلامی و شکل‌های آن بوده است. در این رابطه مناطق جنوبی فرانسه نسبت به سایر مناطق غربی اروپا تأثیر بیشتری پذیرفت و سریع‌تر از مناطق دیگر تجربه‌های مسلمانان را در زمینه آموزش و مدارس و دانشگاه‌ها، کسب کردند و از همین منطقه بود که این تأثیرگذاری به دیگر مناطق اروپا نیز راه یافت. به این ترتیب مؤسسات دانشگاهی و ارتباط‌شان با دانشگاه‌های جهان اسلام و تأثیرپذیری مؤسسه‌ها از دانشگاه‌ها به واسطه اندلس مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر آن، در این نقل و انتقال، علوم مختلف به‌ویژه طب و کتاب‌های مربوط به آن از طریق دانشمندان مسلمان در قرون جدید در

دانشگاه‌های غربی تدریس شد، به‌ویژه کتاب‌های رازی و ابن سینا مورد توجه خاص واقع شدند.

اگر چه این بخش از تاریخ صفحات درخشانی از تاریخ و تمدن ما در اندلس است، اما اکنون چه چیزی برای ما باقی مانده است؟ آیا این صفحات با از میان رفتن صاحبانش و سپری شدن زمانش نابود شده‌اند؟ چه چیزی در اندلس باقی مانده که گواه تمدن و اندیشه و آثارش باشد؟ ضرورت دارد که مباحث این کتاب با اشاره به آثار جاویدان اندلس خاتمه یابد، آثاری که در برابر زمان مقاومت کردند و حکایت از داستان حاکمیت اسلامی در بهشت گمشده دارند. از میان این آثار، سه نمونه انتخاب شده است که عبارتند از: مسجد جامع قرطبه، قصر الحمرا در گرانادا و مناره مسجد جامع سویل که به لایخیرالدن معروف است. پژوهش‌های انجام شده درباره این آثار با مطالعات پیشین آن تفاوت دارد و بر مشاهدات عینی نویسنده مبتنی است. این مشاهدات که مورخ از چشمه بی‌انتهای تصور و احساس همزیستی تام با گذشته بر می‌گیرد، به دنبال حقیقتی است که این آثار تجلی‌بخش آن بوده است و این حقیقت همان حضور متمدنانه و انسانی مسلمانان در اندلس است.

عبد الواحد ذنون طه

موصل پنجم جمادی الاولی ۱۴۲۴ هجری، ۲۰۰۳/۶/۵ میلادی